

ازوپ خالق اصلی چوپان دروغگو

۱۷ آذر ۱۳۹۴ ساعت ۱۸:۰۰

چوپان دروغگو حکایت چوپان جوانی که بانگ برمی داشت: «آی گرگ! گرگ آمد» و کشاورزان و کسانی از آنهایی که در آن اطراف بودند، مسلح با بیل و چوب و سنگ و کلوخی، دوان دوان به امداد چوپان جوان میدوید و چون به محل می رسیدند اثری از گرگ نمی دیدند.

چوپان دروغگو حکایت چوپان جوانی که بانگ برمی داشت: «آی گرگ! گرگ آمد» و کشاورزان و کسانی از آنهایی که در آن اطراف بودند، مسلح با بیل و چوب و سنگ و کلوخی، دوان دوان به امداد چوپان جوان میدوید و چون به محل می رسیدند اثری از گرگ نمی دیدند. پس برمی گشتند و ساعتی بعد باز به فریاد «کمک! گرگ آمد» دوباره دوان دوان می آمدند و باز ردی از گرگ نمی یافتند، تا روزی که واقعا گرگها آمدند و چوپان هر چه بانگ برداشت که: «کمک» کسی فریاد رس او نشد و به دادش نرسید کمتر کسی است که داستان «چوپان دروغگو» را نخوانده یا نشنیده باشد. اما احتمالاً بین هم وطن های ما ایرانیان کمتر کسی باشد که نویسنده این داستان را بشناسد «چوپان دروغگو» اثری است از "ایزوپ" که در اسطوره های ایزوپ آمده است "ایزوپ" از نویسندگان اسلاوتبار یونان بود که قصه و افسانه می نوشتبنا به گفته "هرودوت"، "ایزوپ" هم دوره "کوروش هخامنشی" و برده ای از اهالی «سارد» بوده که بعدها صاحبش او را آزاد کرد بسیاری از افسانه ها و داستانهای معروف که امروزه میشناسیم توسط "ایزوپ" نقل شده داستان های او به اکثر زبان های دنیا ترجمه شده و برخی از شاعران ایرانی، همچون "ناصرخسرو" و "مولانا" چندی از افسانه های او را به نظم آورده اند، مانند:

روزی ز سر سنگ عقابی به هوا خاست...

زاگی قالب پنیری دید...

داستان به شکار رفتن شیر و گرگ و...

کلاغی که با پر طاووس...

و بسیاری از حکایت ها و داستان های معروف دیگر توسط این نویسنده بزرگ قرن شیشم پیش از میلاد نقل شده که برخی از آنها

توسط دیگر نویسندگان و شعرای بزرگ جهان، بازآفرینی شد

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۲۹۰۰/دروغگو-چوپان-اصلی-خالق-ازوپا/>